

مدرسه علمیه پیروان حضرت زهرا «علیها السلام»

عنوان مقاله:

پدر در هندسه موضوعی آیات قرآن

تهیه و تنظیم:

سمیه حسین پور

پاییز ۱۳۹۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده

در این نوشتار به بررسی مبحث «پدر در هندسه موضوعی آیات قرآن» پرداخته می شود. در جامعه امروز، آن چه در کانون خانواده ها تا حدودی به کم رنگی گراییده است حضور والدین در عرصه های مختلف زندگی فرزند می باشد که تا حدودی به تاثیر از اطراف و عدم توجه به توصیه های کتاب آسمانی مان بر می گردد. از این جهت تامل در واژه وهای گوهر بار این کتاب به رفع نواقص موجود کمک می نماید. در این متن که در پی کنکاش در ابعاد موضوع مورد نظر، البته با نگاهی دور از تکرار و تطویل می باشد. سعی بر معرفی جایگاه پدر بیش از پیش می باشد. واژه فارسی پدر در عربی والد و اب با معانی خاص، تعریف می شود. در گستره آیات مورد بررسی حقوق فرزند در برابر پدر عبارتند از اطاعت، احسان، دعا، دوستی ایشان، مصادیق پدر که در قالب انبیا مانند ابراهیم، عیسی و سایر موارد به چشم می خورد که گاهی نظرات متفاوتی از مفسران را مطرح می نماید. از این رو، جهت تهیه اطلاعات اولیه به منابع مکتوب و نرم افزاری و به اصطلاح اسناد و مدارک کتابخانه ای مراجعه و چندین مرتبه مورد پردازش قرار گرفته است. تا متن مورد انتظار آماده شود.

کلیدواژه:

واژه پدر در قرآن، والد، آب، حقوق پدر، مصادیق پدر

فهرست مطالب

مقدمه	۵
۱- مفهوم شناسی واژه «پدر»	۶
۲- اجمالی از بررسی واژه «پدر» در قرآن	۶
۳- بررسی ابعاد مبحث «پدر» در هندسه آیات قرآن	۷
۳/۱- تبیین رابطه پدر و فرزند در آیات قرآن	۸
۳/۱/۱- الحاق و انتساب فرزند به پدر	۸
۳/۱/۲- عواطف پدر به فرزند و بالعکس	۹
۳/۱/۳- تأثیر فرزند در شخصیت پدر و مادر	۹
۳/۲- مسئولیت پدر در مقابل فرزند	۱۰
۳/۳- حقوق پدر بر فرزند	۱۰
۳/۳/۱- اطاعت و احترام به پدر	۱۱
۳/۳/۲- ادب و تواضع برای پدر	۱۲
۳/۳/۳- دعا و استغفار برای پدر و بالعکس	۱۲
۳/۳/۴- دوستی پدر و فرزند	۱۳
۳/۳/۵- ارث بردن از پدر	۱۴
۳/۴- مصادیق پدر آیات در قرآن	۱۴
۳/۴/۱- بی نیازی خداوند از پدر	۱۴
۳/۴/۲- پدر ابراهیم (علیه السلام)	۱۵
۳/۴/۳- ابراهیم (علیه السلام) پدر اسحاق (علیه السلام) و پدر اسماعیل (علیه السلام)	۱۵

۳/۴/۴- پدر عیسی (علیه السلام) ۱۶

۳/۴/۵- اطلاق پدر بر جدّ و عمو ۱۶

نتیجه ۱۸

کتابنامه ۱۸

پسری کردن ندانند و ناچار پسر پدر را دوست دارد هم چنان پدر پسر را، لکن دوستی پدر از روی شفقت و دوستی پسر از روی حشمت است. (کشف الأسرار و عدة الأبرار، ج ۵، ص ۲۷)

از دیگر آیاتی که رساننده محبت و دوستی فرزندان به والدین می باشد عبارت است از «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (بقره/۸۳) ، «و چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که: «جز خدا را نپرستید، و به پدر و مادر...». در این آیه احسان کردن و محبت کردن را به معنی عاطفه کردن (تفسیر المراغی، ج ۱، ص ۱۵۶) به آن دو آورده است که باید نسبت به آن دو رعایت شود که حکمت ازن لطف را می توان با دوران کودکی خود مقایسه کرد که در واقع آن ها در روز ضعف و کودکی ما بزرگی و دوستی کردند مانند این فراز که آیا پاسخ نیکی جز نیکی است؟

می توان این گونه گفت: همان طور که آن ها در کودکی مشقت و زحمت فرزند را به جان خریدند فرزند باید در بزرگی جبران کودکی خود را بنماید چون این چرخه ادامه دارد و باز برای خودش تکرار می شود که نشان از همان دوستی و محبت فرزندی و والدینی یا فرزندی و پدری است.

۳/۳/۵- ارث بردن از پدر

در این زمینه مصداق هایی در قرآن یافت می شود مانند ارث بردن حضرت سلیمان (علیه السلام) از پدرش حضرت داود (علیه السلام) که در سوره نمل به آن پرداخته است. «وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ...» (نمل/۱۶) ، «و سلیمان از داوود میراث یافت ...». البته آیات دیگری در قرآن آمده است که نوع ارث بردن را مشخص می نماید و برای آن احکام و شرایطی را مطرح می کند مانند این که ارث بردن از پدر، منوط به پرداخت اموال مورد وصیت و بدهیهای او است. (نساء/۱۱۴)

۳/۴- مصادیق پدر آیات در قرآن

۳/۴/۱- بی نیازی خداوند از پدر

در این زمینه نیز مشهورترین آیه «اللَّهُ الصَّمَدُ* لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ» (خلاص/۲ - ۳)، «خدای صمد* نه کس را زاده، نه زاییده از کس»، می باشد که به بی نیازی خداوند از داشتن پدر و مادر اشاره دارد. همچنین در آیه «قُلْ يَٰ أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَ ضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ» (مائده/۷۷)، «بگو: «ای اهل کتاب، در دین خود بناحق گزافه گویی نکنید، و از پی هوسهای گروهی که پیش از این گمراه گشتند و بسیاری [از مردم] را گمراه کردند و [خود] از راه راست منحرف شدند، نروید» به تفصیل پرداخته است و در واقع علامع طباطبایی می گوید که داستان پدری و پسری اعتقادی بوده است که قبلاً در میان بت پرستان و از ایشان بطور ناخودآگاه به داخل مسیحیان و سایر اهل کتاب راه یافته است. (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۶، ص ۱۱۲) در مجموع این دیدگاه مردود بوده است و هیچ دلیل بر آن اراده نشده است.

۳/۴/۲- پدر ابراهیم (علیه السلام)

در آیاتی از قرآن^۱ آزر به منزله پدر حضرت ابراهیم (علیه السلام) یاد شده است که به یک نمونه از آن ها اشاره می شود «وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ اَازَرَ أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا ءَالِهَةً إِنِّي أُرْكُ وَ قَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»، «و [یاد کن] هنگامی را که ابراهیم به پدر خود «آزر» گفت: «آیا بتان را خدایان [خود] می گیری؟ من همانا تو و قوم تو را در گمراهی آشکاری می بینم». البته قبلاً به وجه انتساب آزر به منزله پدر حضرت ابراهیم (علیه السلام) اشاره شد.

در آیه «وَ اِلَهَ آبَائِكَ اِبْرَاهِيمَ وَ اِسْمَاعِيلَ وَ اِسْحَاقَ» (بقره/۱۳۳) کلمه «اب» (ابراهیم) را به اسماعیل و اسحاق اضافه کرده است؛ زیرا آن دو از نسل ابراهیم علیه السلام بوده اند و یا بدان جهت است که یعقوب از نسل آن دو بوده است. البته اسماعیل، عموی یعقوب بوده ولی او را اب نامیده و در عرب معمول است که عمو را اب بنامند، همچنان که گاه خاله را ام می نامند. از همین رو قرآن فرموده: «وَ رَفَعَ أَبُوهُ عَلَى الْعَرْشِ» (یوسف/۱۰۰) (حضرت یوسف (علیه السلام) پدر و مادر خویش را بر تخت بالا برد) که منظور از «أبویه»، پدر و خاله یوسف علیه السلام بود؛ زیرا مادرش (راحیل) قبلاً مرده بود». (بررسی صحت و اعتبار روایات تفسیر منسوب به امام عسکری (علیه السلام)، ص ۳۹۳)

۳/۴/۳- ابراهیم (علیه السلام) پدر اسحاق (علیه السلام) و پدر اسماعیل (علیه السلام)

یکی از مواردی که از حضرت ابراهیم (علیه السلام) به عنوان پدر اسحاق و اسماعیل اشاره کرده است آیاتی از سوره ابراهیم با عنوان «وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَازِلًا اَلْبَدَءَ اَمِنًا وَ اجْنُبْنِي وَ بَنِيَّ اَنْ نَّعْبُدَ اِلْاٰصْنَامَ» (ابراهیم/۳۵)، «و [یاد کن] هنگامی را که ابراهیم گفت: «پروردگارا، این شهر را ایمن گردان، و مرا و فرزندانم را از پرستیدن بتان دور دار». «الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ اِسْمَاعِيلَ وَ اِسْحَاقَ اِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ» (ابراهیم/۳۹)، «سپاس خدای را که با وجود سالخوردگی، اسماعیل و اسحاق را به من بخشید. به راستی پروردگار من شنونده دعاست»، است که در واقع این آیات به عنوان آیات مشترکه این دو مورد یاد شده است از دیگر آیاتی که به صورت مشترک به این مقوله اختصاص داده شده آیه ۱۰۱ و ۱۰۲ سوره صافات است که هر دو مورد را شامل می شود. اما آیاتی که از ابراهیم (علیه السلام) به عنوان پدر اسحاق (علیه السلام) یا کرده شمار گسترده ای را در بر می گیرد که عبارتند از: انعام/۸۳ و ۸۴ - مریم/۴۱ و ۴۹ - انبیاء/۶۹ و ۷۲ - عنکبوت/۲۶ و ۲۷

نکته قابل تامل این است که در آیات سوره ابراهیم با کمال تعجب در سن پیری بعد از تولد اسماعیل (علیه السلام) و اسحاق و بعد از ساخته شدن خانه کعبه، از طلب مغفرت حضرت نسبت به پدر و مادر حقیقی اش (والدی) خبر می دهد. سن حضرت در این زمان با توجه به تولد حضرت اسماعیل در حدود ۱۰۰ سالگی و ساخته شدن خانه در حدود ۱۲۰ سالگی و تبدیل شدن اطراف کعبه به شهر، نزدیک ۱۳۰ سال می باشد. (پژوهشی پیرامون تدبیر قرآن، ص ۵۷۲)

۱. رک: توبه/۱۱۴، مریم/۴۲-۴۵، انبیاء/۵۲، شعراء/۷۰، صافات/۸۵، زخرف/۲۶، ممتحنه/۴

۳/۴/۴- پدر عیسی (علیه السلام)

یکی از مباحثی که از طرف مسیحیت برای حضرت عیسی (علیه السلام) مطرح شده است این است که الوهیت حضرت عیسی (علیه السلام) به علت تولد بدون پدر است اما قرآن در آیه «إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آل عمران/۵۹)، «در واقع، مَثَلِ عِيسَى نزد خدا همچون مَثَلِ [خلقت] آدم است [که] او را از خاک آفرید سپس بدو گفت: «باش» پس وجود یافت» در ردّ این اندیشه از طریق تمثیل وارد می‌شود، یک مسأله عقلانی را در قالب حس می‌ریزد تا از انسان‌های حق جو از محسوس، به معقول پی ببرند. زیرا آدم به اعتقاد همه شرایع، آفرینش ابتدایی داشته است یعنی از پدر و مادری آفریده نشده است، هرگاه نداشتن پدر نشانه فرزند بودن خدا باشد، حضرت آدم اولی به این مقام است، زیرا او بدون داشتن پدر و مادر گام به صفحه هستی نهاد. (سبحانی، جعفر، مثل دوازدهم، عیسی (علیه السلام) نیز همچون آدم، پدر نداشت)

همان طور که در این آیه مشاهده می‌کنید کلمه «کن» یعنی چیزی که برای آن، منشائی اراده می‌شود. (دراسات تاریخیه من القرآن الکریم، ج ۳، ص ۳۱۱) همچنین «کُنْ» یعنی بدون واسطه پدر در وجود معنی شده است. (أَسْئَلَةُ الْقُرْآنِ وَأَجَوِبَتِهَا، ص ۳۶)

۳/۴/۵- اطلاق پدر بر جدّ و عمو

«أُمُّ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِنَبِيِّهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَٰهَكَ وَإِلَٰهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَٰهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (بقره/۱۳۳)، «آیا وقتی که یعقوب را مرگ فرا رسید، حاضر بودید؟ هنگامی که به پسران خود گفت: «پس از من، چه را خواهید پرستید؟» گفتند: «معبود تو، و معبود پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق- معبودی یگانه- را می‌پرستیم و در برابر او تسلیم هستیم»، در این آیه در فراز «نَعْبُدُ إِلَٰهَكَ وَإِلَٰهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ...» به اطلاق لفظ پدر بر جد اشاره کرده است. (مفاتیح الغیب، ج ۴، ص ۶۷)

همان طور که در آیه فوق ذکر شد نظر فخر رازی این بود که لفظ پدر بر جد اطلاق شده است در همین آیه مفسران دیگر نظراتی مطرح کردند که دلالت دارد بر اطلاق لفظ پدر بر عمو مانند شیخ طوسی در تبیان (التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۷۶) و مکارم شیرازی (تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۶۵) می‌گویند که حضرت اسماعیل (علیه السلام) پدر یا جد حضرت یعقوب (علیه السلام) نبود، بلکه عموی او بود، در حالی که در آیه مورد بحث کلمه «آباء» جمع «اب» به کار رفته و از اینجا روشن می‌شود که در لغت عرب گاهی کلمه «اب» به عمو اطلاق می‌گردد.

در این آیه کلمه «اب» (ابراهیم) را به اسماعیل و اسحاق اضافه کرده است؛ زیرا آن دو از نسل ابراهیم (علیه السلام) بوده‌اند یا بدان جهت که یعقوب از نسل آن دو بوده است. البته اسماعیل، عموی یعقوب بوده ولی او را اب نامیده و در عرب معمول است که عمو را اب بنامند، همچنان که گاه خاله را ام می‌نامند. از همین رو قرآن فرموده: «وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ» (یوسف/۱۰۰)، «حضرت یوسف (علیه السلام) پدر و مادر خویش را بر تخت بالا برد» که منظور از «أبویه»،

پدر و خاله یوسف علیه السلام بود؛ زیرا مادرش (راحیل) قبلاً مرده بود». (بررسی صحت و اعتبار روایات تفسیر منسوب به امام عسکری (علیه السلام)، ص ۳۹۳)

با دقت در آیه مشخص می شود که با توجه به معنی لغوی واژه «اب» هر دو احتمال یعنی اطلاق لفظ پدر بر عمو و جد صحیح بوده است.

نتیجه

در این متن با توجه به این که مبحث و حکم از داخل قرآن استخراج شده است در پی تبیین دقیق تر مساله پدر می باشد. تا در عرصه کاربرد عملی در زندگی و جامعه کوچک خانواده مورد اهتمام بیشتری قرار گیرد و منجر به تضییع حق ایشان نگردد.

زیرا که قوام عمده این جامعه کوچک به حضور وی در این کانون است و زمانی این حضور و وجود پررنگ تر و تاثیرگذارتر می شود که حقوق و وظایف پدر و بالعکس به صورت کامل یا حداکثری در زمینه های مختلف به اجرا درآید. به عنوان نمونه در بعد مسئولیتی حتماً در اموری که در این راستا قرار می گیرد این مهم رعایت شود و قسمت عمده آن یعنی ابعاد اطاعت، احسان، دعا و استغفار در زنده بودن و بعد آن و کامل رعایت گردد.

کتابنامه

*قرآن

۱. احوال و آثار محمد بن جریر طبری، علی اکبر، شهاب، تهران، دانشگاه تهران.
۲. أسئلة القرآن و أجوبتها، محمد بن ابی بکر، الرازی، المكتبة العصرية.
۳. التفسیر بالرأی، محمد حمد زغلول، مكتبة فارابی.
۴. الأمالی، محمد بن علی، ابن بابویه، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۵. آسیب شناسی و روش شناسی تفسیر معصومان (علیهم السلام)، علی اکبر، رستمی، کتاب مبین.
۶. بررسی صحت و اعتبار روایات تفسیر منسوب به امام عسکری (علیه السلام)، فاطمه، هاشمی.
۷. البیان فی علوم القرآن، ادیب، العلاف، مكتبة الفارابی.
۸. پرتوی از قرآن، محمود، طالقانی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ ش.
۹. پژوهشی پیرامون تدبیر قرآن، ولی الله، نقی پور فر، اسوه.
۱۰. التبیان فی تفسیر القرآن، محمد بن حسن، طوسی، بیروت. دار احیاء التراث العربی،
۱۱. التحریر و التنویر، محمد بن طاهر، ابن عاشور.
۱۲. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، حسن، مصطفوی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۳۰ ه. ق.
۱۳. ترجمه تفسیر المیزان، محمد حسین، طباطبایی، ترجمه: موسوی همدانی سید محمد باقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.

۱۴. تفسیر القرآن العظیم، اسماعیل بن عمرو ابن کثیر دمشقی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق.
۱۵. تفسیر المراغی، احمد بن مصطفی، مراغی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۶. التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، وهبة بن مصطفى، زحیلی، بیروت، دار الفکر المعاصر، ۱۴۱۸ ق.
۱۷. تفسیر نمونه، ناصر، مکارم شیرازی، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش.
۱۸. تفسیر نور، قرائتی، محسن، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
۱۹. الجدید فی تفسیر القرآن المجید، محمد بن حبیب الله، سبزواری نجفی، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق.
۲۰. دراسات تاریخیة من القرآن الکریم، محمد، بیومی مهران، دار النهضة .
۲۱. فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی، محمدتقی، اکبری، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۶.
۲۲. فرهنگ فارسی معین، محمد، معین، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۱.
۲۳. فرهنگ موضوعی تفاسیر، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۸.
۲۴. قاموس قرآن، علی اکبر، قرشی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ه. ش.
۲۵. الکاشف، محمد جواد، مغنیه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۲۴ ق.
۲۶. کشف الأسرار و عدة الأبرار، احمد بن ابی سعد رشیدالدین میبدی، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۱ ش.
۲۷. لسان العرب، محمد بن مکرم، ابن منظور، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ه. ق.
۲۸. المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، محمد فواد، عبدالباقی، قم، زکات، ۱۳۹۰.
۲۹. معجم مقاییس اللغة، ابی الحسین احمد ابن فارس، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، مرکز النشر، ۱۴۰۴ ق.
۳۰. مفاتیح الغیب، ابو عبدالله محمد بن عمر، فخرالدین رازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۳۱. مفردات ألفاظ القرآن، حسین بن محمد، راغب اصفهانی، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲ ه. ق.
۳۲. واژه های دخیل در قرآن، آرتور، جفری، ترجمه: بدره ای فریدون، انتشارات توس.
۳۳. مثل دوازدهم، عیسی (علیه السلام) نیز همچون آدم، پدر نداشت، سبحانی، جعفر،
www.maarefquran.com
۳۴. نگاهی به جایگاه احسان و نیکی به والدین در قرآن و حدیث، موسوی، مرضیه،
www.maarefquran.org
۳۵. بررسی جایگاه و مقام پدر در قرآن www.farsnews.com
۳۶. عقوق والدین، محمودی، علی www.maarefquran.org
۳۷. ارزش و اهمیت پدر از منظر آیات www.samamos.com